

تأثیرپذیری جرایم بورسی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی

محمد جوانمردی^۱

اسدالله مسعودی مقام^۲

چکیده

تصویب نهادهای جدید در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تأثیر غیرقابل انکاری بر مجازات محکومین پرونده های بورسی دارد. این نهادهای جدید که در راستای سیاست حبس زدایی (سیاست حاکم بر تصویب این قانون) مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است، همان میزان مجازات حدأقلی مطرح در قانون بازار اوراق بهادار را نیز تضعیف نموده و اثر اربعایی آن را خنثی کرده است. این نوشتار با روش کتابخانه ای به تبیین تأثیرات این نهادهای جدید ارفاقی بر مجازات جرایم بورسی پرداخته و با نگاهی انتقادی به این موضوع و با استفاده از اصول حاکم بر حقوق جزا از جمله «اصل تناسب جرم و مجازات» پیشنهاد اصلاح مجازات های پیش بینی شده در قانون بازار اوراق بهادار برای مرتکبین جرایم بورسی را ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: جرایم بورسی؛ قانون مجازات اسلامی؛ قانون بازار اوراق بهادار؛ درجه بندی مجازات؛ جایگزین حبس؛ محکومیت کیفری مؤثر

طبقه بندی موضوعی: K22

۱. دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه امام صادق(ع)

۲. دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری

مقدمه

قانون بازار اوراق بهادار به عنوان یکی از به روزترین قوانین کشور، به دنبال حمایت از حقوق سرمایه-گذاران و ساماندهی، حفظ و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. جرم انگاری‌های جدید صورت گرفته در این قانون به جز چند مورد اندک، قبلاً مورد توجه قانون‌گذار نبوده و با گسترش همه جانبه بازار اوراق بهادار ضرورت تصویب مقرراتی جامع به همراه ضمانت اجرای انضباطی و کیفری آن بیش از پیش مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفت. در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار به جرایم و مجازات‌ها اشاره شده و ضمانت اجرای مخالفت با قوانین را به صورت بسیار منسجمی بیان کرده است. این در حالی است که قانون تأسیس بورس اوراق بهادار (مصوب اردیبهشت ۱۳۴۵) تنها به تنبیهات درون سازمانی و تنبیهات انضباطی اشاره کرده و در جرم‌انگاری برخی مواد اندک نیز به قانون جزای ایران ارجاع داده است و تنها در ماده ۲۶ آن قانون به جرم‌انگاری عدم رعایت شرایط انجام معاملات توسط کارگزاری‌ها پرداخته است.

با تصویب قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱ نهادهای جدیدی (من جمله مجازات جایگزین حبس، محکومیت کیفری موثر، نظام نیمه آزادی، تعویق صدور حکم و...) ابداع گشت و تغییرات اساسی و بنیادی در مواد عمومی آن به وجود آمد. این تأسیسات ارفاقی که به دنبال سیاست های حاکم بر تصویب قوانین در جمهوری اسلامی ایران (حبس زدایی) بوجود آمد، تأثیرات چشمگیری بر نظام جزایی ایران و پیرو آن مجازات‌های مقرر در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار داشته است. حال با توجه به اهمیت جرایم بورسی و در نظر گرفتن مجازات های حدأقلی برای این جرایم، سوال اساسی این است که نهادهای جدیدالتأسیس قانون مجازات اسلامی چه تأثیراتی بر مجازات مرتکبین جرایم بورسی دارد؟ در این مقاله طی دو بخش مجزا ابتدائاً به انواع ناهنجاری ها در بازار سرمایه و واکنش اجتماعی نسبت به آنها و پس از آن به تأثیر نهادهای جدید قانون مجازات اسلامی بر مجازات مرتکبین جرایم بورسی پرداخته خواهد شد. در قسمت اول به برخی از مهم‌ترین جرایم بورسی و ویژگی‌های آن پرداخته و در دیدی انتقادی به تشریح مجازات‌های حدأقلی برای مرتکبین این جرایم اشاره خواهیم کرد. در قسمت دوم نیز تأثیر نهادهای جدید قانون مجازات اسلامی بر مرتکبین جرایم بورسی را تشریح نموده و به برخی نهادهای جدید قانون مجازات اسلامی که تأثیرگذار بر مجازات جرایم بورسی است اشاره خواهیم نمود. لازم به ذکر است با توجه به جدید بودن قانون بازار اوراق بهادار و جرم‌انگاری‌های جدید این قانون و نیز جدید بودن قانون مجازات اسلامی و

ابداعات آن، تا کنون اثر پژوهش خاصی در ارتباط با تعامل و مواجهه این دو قانون باهم منتشر نشده و این پژوهش می‌تواند به عنوان نقطه آغازی جهت انجام تحقیقات دیگر در این زمینه باشد.

۱- ناهنجاری‌ها در بازار سرمایه و واکنش اجتماعی نسبت به آنها

واکنش اجتماعی در قبال انجام جرم به شیوه‌های گوناگونی خود را نشان می‌دهد. گاهی واکنش اجتماعی پیشگیرانه و گاهی سرکوبنده است. مجازات‌ها که از واکنش‌های اجتماعی سرکوبگرانه محسوب می‌شوند، هدف‌های مختلفی را دنبال می‌کنند و هر کدام از مکاتب حقوق کیفری اهداف مشخصی را برای مجازات و اجرای آن در گذشته، حال و آینده در نظر می‌گیرند. هدف‌های مجازات عبارتست از حمایت از اجتماع، جلب رضایت خدا، حفظ قدرت فرمانروا، ترساندن، سزادادن و بازسازگار کردن، تهذیب اخلاقی گناهکار و... (مظلومان، ۱۳۵۱: ۹۷-۱۱۸). قانون بازار اوراق بهادار شامل دو دسته پاسخ‌های کنشی یا پیشگیرانه و پاسخ‌های واکنشی یا سرکوبگر کیفری در برخورد با ناملایمات بازار سرمایه کشور می‌باشد. درخصوص وظایف کنشی یا پیشگیرانه سازمان به منظور جلوگیری از ایجاد ناملایمات در بازار سرمایه می‌توان به وظایف نظارتی سازمان بورس بر حسن اجرای قانون (موضوع بند ۳ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار)، وظیفه ثبت و صدور مجوز عرضه عمومی اوراق بهادار (موضوع بند ۴ ماده یادشده)، وظیفه نظارت بر سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی خارج از بورس (بند ۱۴ ماده مذکور)، وظیفه بررسی و نظارت بر افشای اطلاعات با اهمیت توسط شرکتهای ثبت شده نزد سازمان (موضوع بند ۱۸ ماده یاد شده)، وظیفه اتخاذ تدابیر لازم جهت پیش‌گیری از وقوع تخلفات در بازار اوراق بهادار (موضوع بند ۸ ماده یاد شده)، اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران (موضوع بند ۱۱ ماده مذکور)، وظیفه ثبت تأسیس بورسها و بازارهای خارج از بورس (موضوع ماده ۲۸ قانون بازار) و ... اشاره کرد. فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار (جرایم و مجازات‌ها) به نوعی دربردارنده انواع پاسخ‌های واکنشی یا سرکوبگرانه به جرایم بورسی می‌باشد. در ادامه مقاله به تبیین جرایم بورسی و مجازاتهای حداقلی مندرج در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار، عدم ایجاد آثار قابل انتظار در اجرای مجازات مرتکبین جرایم بورسی و نیز عدم تناسب جرایم بورسی با مجازات‌های قانونی و تعیین مجازات‌های حداقلی برای مرتکبین خواهیم پرداخت.

۱-۱- جرایم بورسی و برخی از مهم ترین ویژگی های آن

فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار به جرم انگاری ۱۹ عنوان مجرمانه در قالب ۵ ماده پرداخته است. این عناوین عبارتند از ۱- استفاده از اطلاعات نهانی به هر نحو به ضرر دیگری یا به نفع خود قبل از انتشار عمومی ۲- فراهم نمودن موجبات افشاء و انتشار اطلاعات نهانی در غیر موارد مقرر ۳- افشای مستقیم یا غیر مستقیم اطلاعات مجرمانه توسط اعضای شورای عالی بورس و اوراق بهادار ۴- مبادرت به معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نهانی ۵- اقدام به ایجاد ظاهری گمراه کننده از روند معاملات یا ایجاد قیمت های کاذب یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار (دستکاری بازار) ۶- اقدام به انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره نویسی به منظور عرضه عمومی اوراق بهادار بدون رعایت مقررات قانونی ۷- ارائه اطلاعات خلاف واقع به سازمان بورس یا بورس مربوطه ۸- ارائه مستندات جعلی به سازمان بورس یا بورس مربوطه ۹- تصدیق اطلاعات خلاف واقع ارائه شده به سازمان یا بورس مربوطه ۱۰- تصدیق مستندات جعلی ارائه شده به سازمان یا بورس مربوطه ۱۱- استفاده از اطلاعات اسناد و یا مدارک جعلی در تهیه گزارش های موضوع قانون بازار ۱۲- افشای اسرار اشخاص توسط کارگزار، کارگزار/معامله گر، بازارگردان و مشاور سرمایه گذاری ۱۳- مبادرت به فعالیت بدون اخذ مجوز از سازمان بورس ۱۴- معرفی خود تحت عناوینی از قبیل کارگزار، کارگزار/معامله گر، بازارگردان و ... بدون رعایت مقررات قانونی ۱۵- خودداری از ارائه تمام یا قسمتی از اطلاعات، اسناد و مدارک و ... به سازمان بورس ۱۶- تخلف از مقررات قانونی در تهیه اسناد، مدارک، اطلاعات و ... جهت ارائه به سازمان بورس ۱۷- تخلف از مقررات قانونی در اظهارنظر یا تصدیق گزارشات یا تصدیق مستندات و ... ۱۸- سوءاستفاده از اطلاعات، اسناد و مدارک یا گزارش های خلاف واقع مربوط به اوراق بهادار ۱۹- استفاده غیرقانونی از اوراق بهادار و وجوهی که برای انجام معامله به کارگزار، کارگزار/معامله گر یا بازارگردان سپرده شده است.

مهم ترین جرایم مذکور در قانون بازار که مجازات مشخصی برای مرتکبین آن تعیین شده است، در مواد ۴۶ و ۴۹ قانون ذکر شده و بیشترین حجم پرونده های کیفری بورسی را تشکیل می دهند. سایر مواد نیز جهت تعیین مجازات به قانون مجازات اسلامی ارجاع شده است. مقنن میان دو دسته جرایم مذکور در مواد ۴۶ و ۴۹ قائل به تفکیک شده است. مجازات مرتکبین جرایم مندرج در ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، سه ماه تا یکسال حبس تعزیری یا جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود بدست آمده یا زیان متحمل نشده است ولیکن مجازات مرتکبین جرایم مذکور در ماده ۴۹ قانون مزبور، یک ماه تا شش ماه حبس تعزیری یا جزای نقدی معادل یک تا سه برابر سود بدست آمده یا زیان متحمل

نشده تعیین شده است. هر چند از دید فنی و تخصصی اهمیت جرایم موضوع ماده ۴۹ قانون، کم تر از اهمیت جرایم موضوع ماده ۴۶ نیست ولیکن باتوجه به شدت مجازات تعیینی در دو ماده مذکور به نظر می‌رسد جرایم مندرج در ماده ۴۶ مهم تر از جرایم مندرج در ماده ۴۹ قانون در نظر گرفته شده است. نکته مهم دیگر در خصوص بررسی جرایم بورسی این که اکثر جرایم مذکور در دو ماده ۴۶ و ۴۹ در زمره جرایم مطلق بوده و نیازی به تحقق نتیجه خاص (مانند کسب سود برای خود و یا ایراد ضرر به دیگری) ندارد^۱. هر چند احتمال دارد ارتکاب این جرایم سود و یا ضرری را نیز به دنبال داشته باشد (جوانمردی، ۱۳۹۳). ذکر جزای نقدی به عنوان مجازات و سود یا زیان مربوطه نیز به معنای مقید کردن این جرایم به عنوان جرایم مقید به ضرر (مقید به نتیجه) نیست و همانگونه که در استدلال شعبه ۱۰۶۳ دادگاه کیفری ۲ تهران (۱۱۹۲) دادگاه عمومی جزایی سابق) طی دادنامه شماره ۹-۹۰۰۹۹۷۲۱۳۰۲۰۰۴۸ مورخ ۹۰/۲/۲۲ آمده است «تعیین جزای نقدی به صورت مضربی از سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده در مادتين ۴۶ و ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار (آن هم به نحو تخییری) با توجه به عدم امکان محاسبه‌ی سود یا زیان مادی مستقیم و قطعی در کلیه موارد ناظر به فروضی است که امکان احتساب رقم مزبور فراهم باشد (نظیر بزه معامله متکی بر اطلاعات نهانی) و این نحو از تعیین مجازات، کم ترین دلالتی بر مقید بودن جرم به تحصیل سود یا دفع ضرر ندارد».

نکته قابل توجه دیگر در تبیین ماهیت جرایم بورسی این که، برخی حقوقدانان جرایم بورسی را در زمره جرایم اقتصادی برشمرده و از مهم‌ترین آن جرایم می‌دانند (ولیدی، ۱۳۹۳) به تعبیر این افراد هرچند تا کنون تعریف جامع و مانعی از جرم اقتصادی ارائه نشده است ولیکن دو ضابطه مهم در تشخیص جرایم اقتصادی، ضابطه جرم شناختی شامل انگیزه مرتکب، آثار رفتار وی و محیط ارتكابی جرم و نیز ضابطه اقتصادی شامل اخلال در سیاست‌های کلان اقتصادی دولت و بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی است. (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲) باتوجه به ضابطه‌های مطرح برای تشخیص جرایم اقتصادی از سایر جرایم می‌توان جرایم بورسی را نوعی جرایم اقتصادی محسوب نمود. از دیدگاه این اشخاص در تقسیم‌بندی جرایم به مالی و اقتصادی نیز جرایم بورسی از دسته جرایم اقتصادی محسوب می‌گردد (ساکي، ۱۳۹۳ و مهدوی پور، ۱۳۹۰) لیکن در حال حاضر به نظر می‌رسد با توجه به بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) که به احصاء جرایم اقتصادی پرداخته، جرایم بورسی در زمره جرایم اقتصادی محسوب نمی‌شود.

۱. برای دیدن نظر مخالف، ن. ک: قربانی، مجید، باقری، عباس (۱۳۸۹)، دستکاری بازار اوراق بهادار، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، ص ۳۰۱-۳۲۶.

در خصوص جنبه عمومی یا خصوصی جرایم بورسی نیز لازم به ذکر است، با توجه به شیوه قانون-گذار در احصای جرایم دارای جنبه خصوصی، جرایم مزبور از جمله جرایم دارای جنبه عمومی بوده و غیر قابل گذشت می‌باشد. توضیح آنکه در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ نخست رویه قضائی و سپس قانون-گذاری، با لحاظ واقعیات اجتماعی و دقت در موازن قهقی، از یک سو بر جنبه عمومی و غیر قابل گذشت بودن برخی از جرایم و از سوی دیگر با احصاء «جرایم قابل گذشت»، بر اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم، رویکردی مجدد داشته است. (فروغی، ۱۳۸۳: ۱۷-۳۴) منظور از جرایم قابل گذشت بزه‌هایی است که تعقیب آن منوط و موکول به درخواست شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب و اجرای مجازات موقوف می‌گردد (آخوندی، ۱۳۸۴) ملاک های ارائه شده در آرای وحدت رویه شماره ۵۹۱ مورخ ۷۳/۱/۱۶ در خصوص خیانت در امانت و شماره ۵۲ مورخ ۶۳/۱۱/۱ در خصوص کلاهبرداری و نیز ملاک ارائه شده در استفتانات شورای عالی در شناخت ماهیت جرایم عمومی از خصوصی قابل استفاده است. میزان ورود خسارت و ضرر به مصالح خصوصی و عمومی و میزان خدشه به نظم و امنیت جامعه و آسایش عامه به تشخیص عمومی یا خصوصی بودن جرم کمک می‌نماید. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۱۴۶) طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نیز «ملاک تشخیص جرائم عمومی و خصوصی، قوانین مربوطه است، بدین معنی که اگر در قانون تعقیب جرمی منوط به شکایت شاکی خصوصی قرار داده شده باشد خصوصی است و الاً عمومی است.^۱» (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۵۸۵) با توجه به اینکه ارتکاب جرایم بورسی منجر به برهم خوردن امنیت بازار سرمایه و سلب اعتماد عموم سرمایه‌گذاران به این بازار می‌گردد، لذا از جمله جرایم دارای جنبه عمومی محسوب می‌شود.

لازم به ذکر است طبق ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار «سازمان مکلف است مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع این قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به عنوان شاکی پیگیری نماید.» شاکی مزبور در این ماده، شاکی مصطلح که از ارتکاب جرم ضرری به وی وارد شده باشد نبوده و تنها با این عنوان، جرایم ارتكابی در حوزه بازار سرمایه را پیگیری می‌نماید. بنابراین نمی‌توان از عنوان شاکی بودن سازمان بورس در جرایم بورسی بهره گرفت و جرایم موضوع این قانون را از زمره جرایم قابل گذشت و دارای ماهیت خصوصی برشمرد. لذا به نظر می‌رسد جرایم بورسی از آن دست جرایمی است که طبق بند ۲ ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری (منسوخه) با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نمی-

۱. نظریه مشورتی ۷/۳۶۴۷ مورخ ۷۶/۷/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه

شود (میرزایی منفرد، ۱۳۹۲). اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷/۶۱۸۷ مورخ ۸۷/۱۰/۳ اعلام نموده است «از توجه به کلمه «پیگیری» در ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار چنین استنباط می‌گردد که سازمان مذکور صرفاً اعلام کننده جرم نیست بلکه وصف شاکی خصوصی را داشته و بر همین اساس نیز جهت اعلام شکایت در حدود قانون مزبور و تعقیب و پیگیری موضوع و اعتراض به قرارها و احکام مراجع قضایی دارای همان حق و امکاناتی است که مقررات مختلفه قانون و از جمله در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای شاکی خصوصی مقرر گردیده است.»

۲-۱- عدم ایجاد آثار قابل انتظار در اجرای مجازات مرتکبین جرایم بورسی

مجازات‌ها به طور کلی دارای دو دسته اهداف پیشگیرنده و سرکوبنده می‌باشند. تدابیر پیشگیرنده در یک سیاست جنایی موثر همواره در درجه نخست اهمیت قرار دارد و یکی از ابزارهای موثر علیه بزهکاری، تشدید و گسترش تدابیر عمومی پیشگیری اجتماعی است. هدف این سیاست سالم سازی محیط‌های آلوده به فساد و ریشه کنی عوامل جرم‌زا در اجتماعات انسانی است. تدابیر سرکوبنده نیز هنگامی کاربرد دارد که جلوگیری از عمل ضد اجتماعی میسر نباشد که در این صورت کیفر مقرر قانونی با مراعات تشریفات آیین دادرسی بر محکوم علیه یا مجرم تحمیل می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۸). همواره در اجرای مجازات‌ها که به عنوان بارزترین مصادیق تدابیر سرکوبنده محسوب می‌شود ترساندن (ارعاب)، سزادادن (مکافات) و بازسازگار کردن (اصلاح) به عنوان اهداف اصلی مجازات در نظر بوده است. یکی از دلایل‌هایی که قانون‌گذار در انتخاب مجازات‌ها به نوع و شدت و ضعف آن توجه دارد ایجاد رعب و هراس در مردم است. ایجاد ترس در مردم و در نتیجه بازداشتن آنان از ارتکاب جرم در زمان ما مورد تردید بسیاری از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان قرار گرفته است.^۱ همچنین مکافات عمل از دیرباز بار سنگینی بوده که بزهکاران برای جبران تقصیر خود باید تحمل می‌نمودند. بازسازگار کردن و اصلاح مجرم نیز در اجرای مجازات مورد نظر است. یعنی رنج و مشقتی که بزهکار هنگام اجرای مجازات متحمل می‌شود در اصلاح و درمان خود وی نیز موثر باشد. (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۳۰) یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات‌ها که به نوعی می‌توان از اثرات مجازات نیز نامید، ترساندن و ارعاب مرتکب از ارتکاب جرم است. همانطور که ملاحظه می‌گردد اهداف و تأثیر

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: غلامی، حسین، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، دانش انتظامی، شماره ۲۷

مجازات ها با هم در تنیده بوده و گاهی با یکدیگر هم پوشانی دارد. در صورتی که مجازات مقرر برای یک جرم به اندازه ای سبک باشد که ترس و ارعاب از ارتکاب آن جرم در مرتکب از بین برود، یا جنبه بازدارنده نداشته باشد و به نسبت جرمی که مرتکب شده است، جنبه مکافات عمل برای وی آنقدر اندک باشد که مشقت چندانی برای او در پی نداشته باشد، اجرای اینچنین مجازاتی تأثیری بر مرتکب نداشته و اهداف پیش گفته را نیز محقق نخواهد کرد. مجرم فردی است هوشمند و حسابگر که هزینه های ارتکاب جرم و سود بدست آمده در اثر ارتکاب جرم را احتساب کرده و با توجه به آن تصمیم گیری می نماید. در صورتی که مجازات پیش بینی شده برای جرم به میزانی باشد که هزینه های ارتکاب جرم ناچیز و بی مقدار باشد، اثر ارعابی و بازدارندگی مجازات از بین خواهد رفت.^۱

لازم به ذکر است هرچند از دیدگاه نگارنده تصویب قانون جدید مجازات اسلامی، تلقی جرایم بورسی به عنوان جرایم اقتصادی را با مشقت روبرو ساخته است ولیکن چه جرایم بورسی از دسته جرایم اقتصادی محسوب گردیده و چه از آن جمله به حساب نیاید، اهمیت آن دستخوش تغییر نشده و مانند گذشته از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. در صورتی که مجازات در نظر گرفته شده برای ارتکاب این جرایم اثرات ارعابی و بازدارندگی مذکور را نداشته و با توجه به مجازات ناچیزی که برای ارتکاب این جرایم تعیین شده است، ارتکاب آن برای مجرم مقرون به صرفه ارزیابی می گردد. با تصویب قانون مجازات اسلامی نیز که شرایط سهل تری برای به حبس نرفتن مجرمین علی الخصوص در مورد جرایم تعزیری درجه ۶ الی ۸ قائل شده است، به نظر می رسد مجازات در نظر گرفته شده برای جرایم بورسی، همان حداقل اثرات ارعابی و بازدارندگی خود را نیز از دست داده است.

۳-۱. تعیین مجازات های حداقلی برای مرتکبین و عدم تناسب جرایم بورسی با مجازات های قانونی

اصل تناسب جرم و مجازات، به عنوان یکی از اصول حاکم بر تعیین مجازات ها، در سال های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. همان گونه که می دانیم دو توجیه رقیب در فلسفه مجازات ها سزادهی (مکافات گرایی) و سود انگاری (فایده گرایی) است. با مبنای سزادهی است که می توان به تناسب مجازات با جرم رسید زیرا با مبنای سود انگاری، مجازات متناسب مجازاتی است که بتواند بر آمار بزهکاری تأثیر مثبت گذارد خواه متناسب با جرم باشد خواه نباشد. از منظر مکافات گرایی، عدالت

۱. برای مطالعه بیشتر در اینخصوص ر.ک: محمودی جانکی، فیروز، آقایی، سارا (۱۳۸۷)، بررسی نظریه بازدارندگی مجازات، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، ص ۳۳۹-۳۶۱.

اقتضاء می‌کند که مکافات و سزای عمل متناسب با خود عمل باشد. در خصوص اصل تناسب جرم و مجازات، تفسیرها و برداشت‌های مختلفی صورت پذیرفته است. برخی ارتکاب جرم شدیدتر را باعث مجازات شدیدتر می‌دانند، عده‌ای عقیده دارند اگر مجازات بر پایه ارضاء حس انتقام باشد مجازات باید متناسب با بی‌عدالتی احساس شده توسط قربانی جرم باشد. به نظر بعضی مجازات ابزار و وسیله‌ای برای سرزنش کردن است و باید مذمت تحمیل شده بر مجرم میزان سرزنش‌پذیری رفتار او را منعکس کند. همه این تعبیر تفسیر و معنی تناسب جرم و مجازات از نظرات مختلف است. در یک تعریف مجازات متناسب با جرم، مجازاتی دانسته شده که به تصریح درجات عدم تأیید اجتماعی رفتار مجرمانه پرداخته و مقدار قبح عمل را به زعم جامعه معلوم سازد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۷: ۱۳۹-۱۵۶) آنچه در این مقاله به عنوان تناسب جرم و مجازات مورد بحث واقع شده است، فارغ و جدای از مبحث مربوط به فردی کردن جرم و مجازات (که متناظر با تناسب جرم و مجرم است) می‌باشد. چرا که اصل تناسب جرم و مجازات ملهم از مفاهیم استحقاق و سزادهی است و رویکردی جرم محور است. بدین معنا که سزادهی اقتضا می‌کند هر کس متناسب با شدت جرمش مجازات شود و جرم سبک، مجازات سبک و جرم سنگین، مجازات سنگین در پی داشته باشد، که این موضوع بیشتر از جنبه قانون گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد. لیکن از منظر اصل فردی کردن جرم و مجازات که در اصل رویکردی مجرم محور است نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است. (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵)

برای تعیین معیار تناسب جرم و میزان مجازات معیارهایی وجود دارد. به عنوان نمونه معیار صدمه وارده، معیار تناسب مبتنی بر فایده اجتماعی، معیار اهمیت جرم ارتكابی، معیار نوع جرم و خصوصیات شخصیتی مجرم، معیار تقصیر بزه دیده، از معیارها و شاخص‌های تعیین میزان تناسب جرم و مجازات است. (رحیمی نژاد و دیگران، ۱۳۸۷) برخی اقتصاددانان نیز معیار هزینه‌های جرم را در اینخصوص بیان کرده‌اند. امروزه از جمله مباحث مهم در حوزه جرم‌شناسی و سیاست جنایی مبحث هزینه‌های جرم است. هزینه‌های جرم فقط هزینه‌هایی نیست که مجرم متحمل می‌شود بلکه هزینه‌هایی که بر بزه‌دیده و جامعه وارد می‌آید را نیز شامل می‌شود. افزون بر آن هزینه‌های جرم به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که حکومت برای پیشگیری و مقابله با جرم صرف می‌کند. بر همین اساس برخی اقتصاددانان هزینه‌های جرم را به سه دسته تقسیم می‌نمایند: ۱- هزینه‌هایی که قبل از وقوع جرم ایجاد می‌شود. ۲- هزینه‌هایی که هنگام وقوع جرم ایجاد می‌شود و ۳- هزینه‌هایی که پس از وقوع جرم به وجود می‌آید. (حسینی نژاد و اقتصادیان، ۱۳۸۳). در نگاهی کلی‌تر می‌توان هزینه‌های ناشی از جرم را به هزینه‌های فردی و

اجتماعی، هزینه‌های مالی و اقتصادی، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم، هزینه‌های ملی و بین‌المللی و هزینه‌های مادی و غیر مادی تقسیم کرد. (حاجی ده آبادی و حائری، ۱۳۸۹)

مجازات جرایم بورسی از آن جهت که بر پایه منفعت طلبی مادی و سوءاستفاده مادی بنا نهاده شده، باید به اندازه‌ای باشد که از این لحاظ واجد بازدارندگی و ارعاب باشد. ارتکاب این جرایم موجب صدمه به کارایی و شفافیت و منصفانه بودن بازار سرمایه کشور خواهد شد. در ارتکاب کلیه این جرایم میزان صدمه مالی وارده به مجنی علیه (که در بسیاری موارد جامعه به صورت کلی به عنوان مجنی علیه این گونه جرایم محسوب می گردد) بسیار زیاد بوده و قابل مقایسه با سایر جرایم مالی نیست. به هر حال آثار زیان‌بار جرایم بورسی بر امر تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری برکسی پوشیده نیست. خاصه اینکه مرتکبین این نوع جرائم غالباً از میان اشخاص به اصطلاح بقه سفید و ذی نفوذ جامعه بوده (محسنی، ۱۳۹۱) و جرم آن‌ها علاوه بر تاثیر مخرب بر رشد اقتصادی کشور بر روند سرمایه‌گذاری در کشور تاثیر منفی داشته و به طور مستقیم و غیرمستقیم وضع اقتصادی یکایک افراد جامعه را به خطر می‌اندازد و میزان خطر آن‌ها برای آرامش روانی حاکم بر جامعه و اقتصاد جوامع بسیار زیاد است. (آقامیری، ۱۳۸۷) لذا درنظر گرفتن مجازات‌های متناسب برای مقابله با آنها از ضروریات حقوق جزای امروزی می‌باشد. لیکن متأسفانه قانون بازار اوراق بهادار بدون توجه به میزان صدمه وارده به مجنی علیهم و میزان سود بدست آمده از این قبیل افعال مجرمانه برای مرتکبین، به مجازات حبس و جزای نقدی غیر قابل انتظاری بسنده کرده است.

در سایر کشورها برای مرتکبین جرایم بورسی مجازات سنگینی در نظر گرفته اند. در مقایسه تطبیقی میزان مجازات برخی جرایم بورسی در برخی کشورهای مطرح در حوزه بازار سرمایه دنیا، می‌توان به اهمیت این جرایم پی برد. به عنوان نمونه حداکثر مجازات جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی در آمریکا تا ۲۰ سال حبس و تا ۵ میلیون دلار جزای نقدی است که بر اساس قانون بورس اوراق بهادار آمریکا جرم انگاری گردیده است^۱ در چین به موجب قوانین ایجاد شرکت‌های اوراق بهادار^۲ حبس تا ده سال و جزای نقدی به میزان ۵ برابر در آمد غیر قانونی تعیین شده است. در ژاپن به موجب قانون سوءاستفاده از بازارهای مالی برای ارتکاب این جرم تا ۳ سال حبس و تا ۳ میلیون ین در نظر گرفته شده است. در هنگ کنگ، هند، کانادا، استرالیا نیز مجازات جرم معامله متکی بر اطلاعات

1. Securities exchange act 1934

2. Establishment of Securities Companies with Foreign Equity Participation Rules

نهانی تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته شده است^۱ (Thompson, 2013). در دیگر جرایم نیز مجازات ارتکاب جرایم بورسی شدیدتر از مجازات این جرایم در ایران است. به عنوان نمونه مطابق ماده ۱۸۲ قانون خدمات و بازارهای سرمایه مصوب ۲۰۰۷ مالزی^۲، هر شخصی که مرتکب جرم دستکاری قیمت سهام در بازار سرمایه گردد به حداکثر ده سال حبس و جزای نقدی حداقل یک میلیون رینگیت^۳ محکوم خواهد شد. در سایر کشورها نیز مجازات مرتکبین جرم دستکاری حدود ۱۰ سال حبس یا جزای نقدی سنگین تعیین شده است^۴. در یک پرونده جدید در آمریکا، دادگاه تجدید نظر محکومیت فردی به نام Michael Coscia به سه سال زندان به جرم دستکاری بازار از طریق سفارشات فریبکارانه^۵ را تأیید کرد. این مجازات علاوه بر بازپرداخت سود حاصله معادل ۱.۴ میلیون دلار و همین مبلغ به عنوان جریمه و نیز مدتی محرومیت از معامله در بازار بود^۶. (No.16-3017, Court Of Appeal, United States of America: 2017) این در حالی است که طبق ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار مجازات مرتکبین جرایم یاد شده که از مهم ترین جرایم بورسی می باشند، حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات است. لذا در مقایسه با ضمانت اجرای کیفری سایر کشورها که بسیار شدیدتر می باشند، مجازات پیش بینی شده در قانون بازار، بازدارنده نبوده و متناسب با این جرم نمی باشد و ضروری است نسبت به تشدید آن اقدام گردد (میرزایی منفرد، ۱۳۹۱).

همچنین قانون بورس اوراق بهادار آمریکا^۷ در مقام تعیین مجازات برای متخلفین از قوانین و مقررات موضوعه، در بخش مجازات‌ها^۸ و در قسمت ۳۲ (a) آورده است: «هر شخصی که آگاهانه و عمدی از مقررات مقرر در این قانون تخلف نماید یا هر شخصی که آگاهانه و عمدانه تخلف نماید یا باعث تخلف در ساخت یا ارائه گزارشات و برنامه‌ها و اسناد و ... گردد به جزای نقدی تا

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص اطلاعات نهانی و ممنوعیتهای آن در سایر کشورها ر.ک: شریفی، الهام‌الدین، بهشتی، شقایق (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی ممنوعیتهای دارندگان اطلاعات نهانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار در حقوق اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و ایران، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۷، ص ۲۱۳-۲۳۲.

2. Capital Markets and Services Act 2007

3. Ringgit

۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص مجازات جرم دستکاری در سایر کشورها ر.ک: میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق کیفری بازار اوراق بهادار، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۱، تهران: نشر میزان، ص ۱۴۰-۱۴۱

5. spoofing

۶. برای مطالعه بیشتر در خصوص جرم دستکاری در آمریکا و مدل‌های آن ر.ک: Stock Market Manipulations, 2006,

Rajesh K. Aggarwal, Guojun Wu, Journal of Business, vol. 79, no. 4.

7. SECURITIES EXCHANGE ACT OF 1934

8. PENALTIES 8

۵.۰۰۰.۰۰۰ دلار یا به حبس تا ۲۰ سال یا هر دو مجازات محکوم می‌گردد. البته در صورتی که متخلف شخص حقیقی نباشد، جریمه نقدی تا ۲۵.۰۰۰.۰۰۰ دلار می‌باشد. اما هر شخصی در صورتی که اثبات نماید که هیچ اطلاعی از قوانین و مقررات نداشته است نباید برای تخلف از مقررات قانونی مشمول حبس مذکور در این قانون گردد.» علیرغم اینکه این قانون در سال ۱۹۳۴ در آمریکا تصویب شده است ولیکن یکی از مترقی‌ترین قوانین مطرح در زمینه بورس اوراق بهادار می‌باشد. همانگونه که ملاحظه می‌شود در حقوق آمریکا مجازات تخلف از مقررات قانونی شدید بوده و در صورت تطبیق با مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی، از مجازات‌های تعزیری درجه ۲ به بالا محسوب می‌شود که در مقایسه با مجازات متناظر در قانون بازار اوراق بهادار برای جرم مشابه (بند ۳ ماده ۴۹ قانون مذکور) مجازات به شدت سنگینی می‌باشد. این مجازات سنگین نشان دهنده‌ی شناخت صحیح جرم در حقوق آمریکا و درک آثار و تبعات ناشی از ارتکاب جرم بر جامعه است.

برخی ناهنجاری‌های بازار سرمایه به میزانی بر بازار سرمایه اثر منفی دارند که اعمال ضمانت اجرای انضباطی برای احتراز از آنها کفایت نمی‌کند و لازم است برخورد شدیدتری در مواجهه با آن‌ها صورت گیرد و لذا اعمال مجازات از جمله راه‌حل‌های در نظر گرفته‌شده برای مقابله با این دسته از ناهنجاری‌هاست. (سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۶۰) علی‌الاصول میزان مجازات تعیین‌شده برای مقابله با جرایم بورسی باید به میزانی باشد که نسبت به هزینه‌های عملیات مجرمانه و میزان منفعتی که مجرم در قبال ارتکاب جرم بدست می‌آورد به صرفه باشد ولیکن قانون‌گذار بدون توجه به این مسائل، به تصویب مجازاتی نامتناسب با عمل مجرمانه پرداخته است. بنابراین به نظر می‌رسد قانون در زمینه مجازات ارتکاب جرایم بورسی باید با رویکرد تناسب میزان جرم و مجازات اصلاح شود. با وجود این در مرتبه تعیین مجازات برای این افراد، قاضی و مقام قضایی است که باید در مقام اجراء معیارهایی را در نظر بگیرد و براساس آن معیارها مجازاتی متناسب را انتخاب نماید. به عنوان مثال لازم است قاضی برای تعیین مجازات هدف‌های کلی مجازات را در نظر بگیرد. از اهداف کلی مجازات اعمال مجازات عادلانه بر مرتکب، سزادهی، انتقام‌گیری، سرزنش مجرم و بازداشتن وی از ارتکاب مجدد جرم و... است. لذا دادگاه باید سعی کند با در نظر داشتن همه این اهداف و تلفیق آنها با یکدیگر، مجازات متناسب برای مجرم در نظر بگیرد. توجه به شرایط وقوع جرم، میزان ضرر و زیان وارده، شیوع جرم، میزان ضرر و زیان وارده به مجنی علیه و جامعه، توجه به شرایط خود مجرم، سن، موقعیت شغلی و مالی، جنسیت، خانواده و... (آریه فرایبورگ، ۱۳۹۱) از نکاتی است که لازم است قاضی در تعیین مجازات به آن‌ها توجه نماید.

عدم تناسب میزان جرم و مجازات در این قانون به حدی است که میزان جریمه نقدی در نظر گرفته شده در برخی آیین‌نامه‌های مربوط به قانون بازار یا آیین‌نامه‌های مربوط به قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید بسیار بیشتر از میزان جزای نقدی در نظر گرفته شده در قوانین یاد شده است. تا جایی که بر اساس آیین‌نامه ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۹۰/۹/۲ هیأت وزیران و اصلاحات بعدی آن مصوب ۹۴/۲/۲۲، حداقل جریمه نقدی مندرج در ماده ۱۴ قانون مذکور مبلغ بیست و پنج میلیون ریال و حداکثر آن دو میلیارد و پانصد میلیون ریال در نظر گرفته شده است. بنابراین میزان مجازات‌های مزبور برای ارتکاب جرایم بورسی در قانون بازار اثرات مورد نظر مذکور را بر مرتکب جرم ندارد. به عنوان مثال هرگاه ناشر اوراق بهادار در تهیه صورت‌های مالی از استانداردهای حسابداری تخلف نماید بر اساس بند ۶ قسمت الف ماده ۲ آیین‌نامه فوق‌الذکر به جریمه نقدی از سی میلیون ریال تا یک میلیارد ریال محکوم می‌شود. در صورتی که هرگاه بر اساس بند ۳ ماده ۴۹ قانون بازار برخورد کیفری با این مورد انجام شود، با توجه به اینکه در اکثر موارد محاسبه میزان سود بدست آمده یا زیان متحمل نشده مشخص نیست به ناچار قاضی رسیدگی کننده به مجازات حبس روی آورده و بر اساس اجازه حاصله از ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، به جزای نقدی از ۹۰۰ هزار ریال تا ۴۰ میلیون ریال حکم می‌دهد. کما اینکه در دادنامه شماره ۹-۹۸۰۰۲۰۰۰۱۳۰۹۹۷۲۱۳۰۹۰۰ مورخ ۹۰/۲/۲۲ شعبه ۱۱۹۲ دادگاه عمومی جزایی، به همین موضوع اشاره نموده و «با رعایت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (اصلاحی ۱۳۸۹) هر یک از متهمان ردیف اول تا چهارم را به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی و هر یک از متهمان ردیف پنجم تا هفتم را به پرداخت بیست و پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌نماید»^۱

بنابراین همانطور که ملاحظه می‌گردد شدت برخورد کیفری با مرتکب این جرم به صورت چشمگیری کمتر از میزان جریمه نقدی در نظر گرفته شده برای او در آیین‌نامه مربوطه می‌باشد.

۱. این موضوع در دادنامه‌های دیگری نیز ذکر شده است. چنانچه در دادنامه شماره ۸۸-۹۸۰۰۲۰۰۰۱۳۰۹۹۷۲۱۳۰۹۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ صادره از شعبه ۱۰۶۳ دادگاه کیفری ۲ تهران نیز ذکر گردیده است و «رعایت تعرفه اصلاحی موضوع بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» مبنای تصمیم‌گیری در خصوص جزای نقدی محکوم علیه واقع گردیده است.

۲- تأثیر نهادهای جدید قانون مجازات اسلامی بر مجازات مرتکبین جرایم بورسی

به لحاظ عمومی که قانون مجازات اسلامی نسبت به دیگر قوانین کیفری کشور از جمله قانون بازار اوراق بهادار دارد، تغییر برخی عمومات یا تأسیس نهادهای جدید در قانون مذکور، تأثیرگذاری عمیقی بر مقررات کیفری مندرج در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار دارد. از سوی دیگر با توجه به تغییر تعریف «محکومیت کیفری مؤثر» و تأثیر آن بر مقررات مربوط به تأیید یا سلب صلاحیت مدیران ناشران و نهادهای مالی، ضرورت بررسی این موارد از جنبه علمی و عملی بیشتر احساس می‌شود. در این بخش به بررسی مهم‌ترین نهادهای جدید کیفری که در قانون جدید تصویب شده است پرداخته و تأثیر آنها را بر مجازات جرایم بورسی بررسی خواهیم کرد.

۲-۱- جرایم بورسی؛ جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷

ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تعزیری را به ۸ درجه تقسیم کرده است. سنگین‌ترین آن‌ها، مجازات تعزیری درجه یک و سبک‌ترین مجازات نیز مجازات تعزیری درجه هشت می‌باشد. قانون‌گذار با درجه‌بندی مجازات‌ها، سه دسته مجازات‌های سنگین (درجه‌های ۱ تا ۴)، متوسط (درجه‌های ۵ و ۶) و سبک (درجه‌های ۷ و ۸) را پیش‌بینی نموده است.

قانون بازار اوراق بهادار برای مرتکبین جرایم موضوع مواد ۴۶ و ۴۹ که اکثریت جرایم مهم بورسی را شامل می‌شوند، مجازات حبس از سه ماه تا یکسال و از یک ماه تا شش ماه در نظر گرفته است. با توجه به درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری و با عنایت به اینکه تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در صورت عدم امکان مجازات شدیدتر مجازات حبس را ملاک تعیین درجه مجازات دانسته است، میزان حبس مذکور در این دو ماده منطبق بر درجات ۶ الی ۸ می‌باشد. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۲۳۹۴/۱۰/۲۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ به این موضوع اشاره کرده و بر این موضوع تأکید نموده است که حتی در صورتی که مجازات جزای نقدی از درجه بالاتر محسوب گردد، باز هم حبس به عنوان مجازات شدیدتر، تعیین‌کننده درجه مجازات تعزیری می‌باشد. همچنین بر اساس رأی شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالتجیه صلاحیت دادگاه است.»

شایان ذکر است سایر مواد مذکور در قانون بازار اوراق بهادار مانند مواد ۴۷ و ۴۸ و ۵۰ که میزان مجازات آن به قانون مجازات اسلامی احاله داده شده است، منطبق بر درجات دیگری از مجازات‌های تعزیری است. به عنوان مثال هرگاه کارگزار، کارگزار/ معامله‌گر یا بازارگردانی که اوراق بهادار و

وجوهی را که برای انجام معامله به وی سپرده شده و وی موظف به نگاهداری آن در حسابهای جداگانه است، برخلاف مقررات و به نفع خود یا دیگران مورد استفاده قرار دهد، براساس ماده (۶۷۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ به شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و این محکومیت براساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی از نوع مجازات‌های تعزیری درجه ۵ و ۶ محسوب می‌شود ولیکن مهم‌ترین و مبتلی‌به‌ترین جرایم بورسی که در مواد ۴۶ و ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار ذکر گردیده است، از سری مجازات‌های تعزیری سبک و متوسط محسوب می‌گردد.

فایده و ثمره تطبیق مجازات‌های مذکور در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار با یکی از درجات مجازات‌های تعزیری قانون مجازات اسلامی این است که درجه‌بندی مجازات‌ها تأثیرات مهمی بر مجازات‌های قانون بازار اوراق بهادار دارد. به عنوان مثال بر اساس ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی تعویق صدور حکم تنها در خصوص مجازات‌های تعزیری درجه شش تا هشت امکان‌پذیر است و سایر مجازات‌های تعزیری خارج از این حیطه می‌باشند. در مواد دیگری نیز به درجه‌بندی مجازات‌ها توجه شده و تصمیم قاضی برای در نظر گرفتن برخی نهادهای جدید محدود به درجه خاصی از مجازات‌های تعزیری می‌باشد که در ادامه به اهم آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۲-۲- امکان صدور مجازات جایگزین حبس در ارتکاب جرایم بورسی

یکی از مهم‌ترین نهادهای نوین قانون جدید، مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد. این نهاد که در راستای سیاست‌های حبس زدایی قوه قضاییه و نظام قانون‌گذاری کشور مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است به دنبال کم کردن تعداد زندانیان و به تعبیر دیگر «حبس زدایی»^۱ یا «زندان زدایی» می‌باشد. ماده ۶۴ قانون جدید به انواع مجازات‌های جایگزین حبس و مواد بعدی نیز به شرایط اجرای هر کدام از مجازات‌های جایگزین حبس اشاره کرده است. با توجه به اینکه بر اساس مواد ۶۵ الی ۶۷ قانون جدید برای کلیه مجرمینی که مجازات آن‌ها تا یکسال حبس باشد، مجازات جایگزین حبس مقرر شده است و اکثر جرایم بورسی، علی‌الخصوص جرایم مندرج در مواد ۴۶ و ۴۹ قانون بازار نیز در زمره جرایمی هستند که مجازات آن نهایتاً تا یکسال حبس است، لذا در ادامه به تبیین

۱. این اصطلاح به عنوان جدیدترین رویکرد قوه قضائیه در ایران اولین بار توسط قوه قضاییه و ریاست آن-حضرت آیت الله شاهرودی- مورد استفاده قرار گرفت. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: رضایی، رضا، کاهش جمعیت کیفری و فرآیند حبس زدایی، اصلاح و تربیت، شماره ۶۸ (آذر ۱۳۸۶): ۴۵-۴۸. و ایوب میلیکی، حبس زدایی خردگرا؛ خروج از بحران تورم کیفری، اصلاح و تربیت، سال پنجم، شماره ۵۳ (مرداد ۱۳۸۵): ۲۱-۲۵.

مجازات‌های جایگزین حبس، شرایط اعمال آن و تطبیق آن با قانون بازار اوراق بهادار خواهیم پرداخت.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد بر اساس ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، تبدیل حبس به جایگزین حبس برای مرتکبینی که مجازات عمل آنها تا سه ماه حبس است، بدون قید و شرط و طبق ماده ۶۶ برای مرتکبینی که حداکثر مجازات عمل آنها از نود و یک روز تا شش ماه حبس باشد با در نظر گرفتن شرایطی اجباری است. همچنین در خصوص جرایمی که مجازات آنها از شش ماه تا یکسال است با در نظر گرفتن همان شرایط از اختیارات قاضی محسوب شده است.

در خصوص شرایط قانونی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. از یک دیدگاه ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی که به عنوان اولین ماده فصل نهم بخش دوم مورد تصویب قانون گذار واقع شده است، حاکم بر کلیه مجازات‌های این فصل بوده و شرایط کلی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس را ذکر می‌نماید. بر اساس ماده مزبور، گذشت شاکی خصوصی و وجود جهات تخفیف، لازمه صدور حکم به مجازات جایگزین حبس می‌باشد. بر این اساس حتی در مواردی که طبق ماده ۶۵ قانون جدید مجازات حکم صادره تا سه ماه حبس باشد تا زمانی که شاکی خصوصی گذشت نکرده باشد و سایر جهات تخفیف نیز موجود نباشد قاضی حق اصدار حکم مبنی بر مجازات جایگزین حبس را نداشته و تنها در صورت وجود شرایط مذکور مکلف است حکم به مجازات جایگزین حبس صادر نماید. (ولیدی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) به نظر می‌رسد علت اصلی ذکر گذشت شاکی به عنوان شرط لازم برای صدور حکم مجازات جایگزین حبس، به نوعی در نظر گرفتن حقوق شاکی و اهمیت دادن به آن است. به عبارت دیگر قانون گذار قصد داشته علیرغم در نظر داشتن حبس زدایی و زندان زدایی و کم کردن تعداد زندانیان، به گذشت شاکی و سایر جهات تخفیف توجه ویژه‌ای داشته و به نوعی تسلی خاطری برای مجنی علیه یا شاکی خصوصی به وجود آورد.

شعبه ۷۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران نیز مطابق با همین نظر «اقدام دادگاه بدوی در تعیین مجازات جایگزین حبس که مستنداً به مواد ۶۶ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صورت گرفته است، نظر به اینکه مستفاد از ماده ۶۴ قانون مرقوم تعیین مجازات‌های جایگزین حبس منوط به وجود و احراز شرایطی بوده که از جمله آنها گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف مجازات است و نظر به اینکه در ما نحن فیه چنین شرایطی فراهم نبوده است، اقدام دادگاه را بر منهج و مدار قانون ندانسته» و به دادگاه بدوی صادر کننده رأی تذکر داده است. (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۷۰۳). (دادنامه شماره ۹۲/۱۲/۱۳ مورخ ۷۰ صادره از شعبه ۷۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران). اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی

نظریه شماره ۱۰۵۳/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ اعلام نموده است که «باتوجه به ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مواردی که شاکی خصوصی وجود دارد گذشت او یکی از شرایط اعمال مجازات جایگزین حبس است».

مطابق دیدگاه دیگر می‌توان گفت به دلایل سه گانه ذیل الذکر، ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی با بی‌دقتی تنظیم شده و اشتباهاً از لفظ «گذشت شاکی» به عنوان پیش شرط صدور حکم جایگزین حبس استفاده کرده است. به نظر می‌رسد منظور از «گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف» وجود یکی از جهات تخفیف است و گذشت شاکی به عنوان شرط مستقل منظور نظر قانون‌گذار نبوده است. به عبارت دیگر قانون‌گذار اشتباهاً میان دو عبارت «گذشت شاکی» و «وجود جهات تخفیف» از واژه «و» استفاده کرده است و می‌بایست میان این دو کلمه «یا» به کار می‌برد. بر اساس این دیدگاه مواد ۶۵ الی ۶۷ به صورت مطلق بیان شده است و به غیر از شروط ذکر شده در این مواد و وجود یکی از جهات تخفیف (بر اساس ماده ۶۴) شرط دیگری برای حکم به مجازات جایگزین حبس وجود ندارد. چرا که اولاً؛ سیاست کیفری قوه قضائیه بر حبس‌زدایی متمرکز شده است. این سیاست به عنوان یکی از استراتژی‌های اصلی در تهیه لایحه قانون جدید مدنظر بوده است. پذیرش این نظر با توجه به سهولت تبدیل مجازات حبس به مجازاتهای جایگزین، انطباق بیشتری بر سیاست مذکور دارد و اصل کشف نظر مقنن نیز این تفسیر را ایجاب می‌کند که "گذشت شاکی" شرط لازم در تعیین مجازات جایگزین حبس نباشد.

ثانیاً؛ با توجه به بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین^۱، در صورتی که صدور حکم به مجازات جایگزین حبس را مستلزم گذشت شاکی بدانیم، حتی در مواردی که مجازات قانونی جرمی کمتر از ۳ ماه حبس باشد نیز قاضی نمی‌تواند بدون گذشت شاکی حکم به مجازات جایگزین حبس صادر نماید و در این صورت مخالفت صریح با بند ۱ ماده ۳ قانون وصول دارد. البته اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۲/۱۱۰۸ - ۹۲/۶/۱۲^۲ نظر به عدم نسخ مقررہ مذکور داشته و مقررات آنرا خفیف تر از مقررات مربوط به جایگزین حبس بر شمرده است.

۱. «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد از این پس به‌جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود».

۲. «درمورد این که آیا بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۷۳، با تصویب قانون اخیرالتصویب نسخ شده است یا خیر، باید گفت: مطابق بند یک در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس باشد، به جای حبس حکم به جزای نقدی صادر می‌شود و این امر تکلیف قانونی است. اما طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، مجازات جایگزین حبس موقعی قابل اعمال است که محکوم علیه واجد شرایط تخفیف باشد، در غیر این صورت مجازات جایگزین اعمال نخواهد شد، مثلاً دادگاه مجازات متهم سابقه دار را در صورت ارتکاب جرمی که حداکثر مجازات آن ۳ ماه حبس باشد، باید اجباراً به جزای نقدی تبدیل کند اما به مجازات جایگزین حبس نمی‌تواند محکوم نماید، درنتیجه بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت از مقررات مجازات‌های جایگزین حبس خفیف تر و نسخ نشده است».

ثالثاً: در برخی مواد قانون جدید هیچ شرطی برای صدور حکم به مجازات جایگزین حبس وجود ندارد. به عنوان مثال در ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی^۱ الزام به مجازات جایگزین حبس به صورت مطلق ذکر شده، لذا دلیلی وجود ندارد که شرط دیگری برای صدور حکم به مجازات جایگزین حبس وجود داشته باشد. شعبه ۱۰۶۳ دادگاه کیفری ۲ تهران طی دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۰۲۰۰۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۶ بر اساس همین نظر اقدام به صدور مجازات جزای نقدی جایگزین حبس نموده است. بر اساس دادنامه یاد شده «دادگاه به استناد بند ۲ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار و با رعایت مادتين ۶۶ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (مبنی بر لزوم تعیین مجازات‌های جایگزین حبس در جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری درجه ۷)... هریک از متهمین را به پرداخت هجده میلیون جزای نقدی بدل از حبس محکوم می‌نماید.» این در حالیست که در این پرونده شاکی گذشت نکرده بود ولیکن دادگاه بدوی حکم به مجازات جایگزین حبس صادر نمود.

دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ همین نظر را پذیرفته است. بر اساس رأی مزبور «لازمه تعیین و اجرای مجازات جایگزین مذکور در ماده ۶۴ قانون مرقوم، اجتماع کلیه جهات مندرج در این ماده (که ظاهراً از باب تمثیل ذکر شده است) نیست بلکه وجود یک یا چند فقره از این عوامل (از جمله گذشت شاکی) می‌تواند زمینه تعیین و اجرای مجازات جایگزین را فراهم آورد.» لذا با توجه به رأی وحدت رویه مذکور، قاضی می‌تواند مرتکبین جرایم بورسی را حتی بدون رضایت سازمان بورس و اوراق بهادار یا سایر شکات احتمالی به مجازات جایگزین حبس محکوم نماید.

علاوه بر آنچه در خصوص عدم تناسب جرم و میزان مجازات بیان شد و مجازات جرایم بورسی با توجه به اهمیت آن و تأثیر منفی زیادی که بر حقوق سرمایه‌گذاران و عموم جامعه دارد نامتناسب شمرده شد، در اینجا نیز این عدم تناسب جرم و مجازات در قانون به طریق دیگری خود را نشان می‌دهد، چرا که ارتکاب جرایم بورسی که با توجه به اثر نامطلوب و عمیق خود بر جامعه انتظار می‌رفت مجازات شدیدی داشته باشد، نه تنها مجازات شدید (یا به تعبیر صحیح‌تر متناسب) ندارد بلکه مجازات حدأقلی مشخص شده در قانون بازار نیز به وسیله مقررات و تأسیسات ارفاقی جدید التأسیس کم رنگ‌تر شده است و قضات رسیدگی‌کننده با توجه به مقررات مربوط به «مجازات‌های جایگزین حبس» تا حد امکان از صدور حکم مبنی بر حبس مرتکب خودداری می‌نمایند. در این حالت با از بین رفتن

۱. «مرتکبان جرائم عمدی که حدأکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردد».

مجازات حبس تنها مجازات جزای نقدی مذکور در ماده یا مجازات جایگزین حبس باقی می‌ماند که اثر اربعایی خاصی بر مرتکبین جرایم بورسی نداشته و بازدارنده از ارتکاب جرم نمی‌باشد.

۲-۳- عدم تلقی محکومیت‌های جرایم بورسی به عنوان محکومیت کیفری مؤثر

تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی ضمن نسخ ماده واحده قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی، محکومیت مؤثر را محکومیتی دانسته که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. ماده ۲۵ قانون اخیرالذکر نیز تنها به محکومیت‌های خاص من جمله محکومیت به مجازات‌های سالب حیات، حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، نفی بلد، حبس تا درجه چهار، شلاق حدی، و حبس درجه پنج که هر کدام بنا بر شدت و حدت جرم ارتكابی محرومیت از حقوق اجتماعی از ۷ سال تا ۲ سال به دنبال دارد اشاره نموده، بنابراین غالب محکومیت‌ها در جرایم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار، خصوصاً جرایم موضوع مواد ۴۶، ۴۸ و ۴۹ با توجه به میزان مجازات مصرح قانونی که عمدتاً از جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ محسوب می‌گردند، محکومیت کیفری مؤثر نبوده و تنها براساس تبصره ۱ ماده ۲۵ قانون جدید مجازات اسلامی «مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود، لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات». لذا براساس مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اشخاصی که سابقه محکومیت در جرایم بورسی داشته باشند، این محکومیت آنان، محکومیت کیفری مؤثر محسوب نمی‌شود. در حالی که بر اساس بند(دال) ماده واحده قانون تعریف محکومیت‌های کیفری مؤثر (مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحی سال ۱۳۸۲) محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بالاتر در جرایم عمدی محکومیت کیفری مؤثر محسوب و بسیاری از مجازات‌های قانون بازار را نیز شامل می‌شد.

همانطور که ملاحظه می‌گردد علیرغم مشکلات پیش گفته، یکی از جدی‌ترین معضلات قانون بازار اوراق بهادار در مواجهه با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محسوب نشدن مجازات‌های این قانون به عنوان محکومیت کیفری مؤثر می‌باشد. در نتیجه هرگاه شخصی مرتکب جرایم بورسی شود محکومیت کیفری جزء سابقه محکومیت کیفری مؤثر وی محسوب نشده و مشمول منع قانونی مقرر در ماده ۱۳ «قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید...»^۱ نخواهد شد. در حالی که منطقی‌تر آن است

۱. ماده ۱۳: مدیران نهادهای مالی، ناشران اوراق بهادار و تشکل‌های خودانتظام شامل اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر بوده و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای

که این منع قانونی برای مرتکبین جرایم بورسی شدیدتر و محکم‌تر و حساسیت قانون گذار نسبت به این دسته از مجرمین بیشتر باشد.

بدیهی است در صورتی که مدیران نهادهای مذکور در ماده ۱۳ قانون توسعه، سایر جرایم عمومی یا جرایمی را که مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی است مرتکب گردند، محکومیت کیفری آنها، مؤثر محسوب شده و براساس ماده اخیرالذکر مرجع انتخاب کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یادشده خودداری نماید. همچنین بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه ماده یادشده، در صورتی که مشخص شود مدیر انتخاب شده یا تأیید صلاحیت شده یکی از شرایط صلاحیت حرفه‌ای را از دست داده یا به موجب حکم صادره از مراجع ذی صلاح قضایی محکومیت قطعی کیفری مؤثر پیدا کرده است سازمان از وی سلب صلاحیت می نماید. لازم به ذکر است بر اساس بند ب ماده ۶ دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی، مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۱ شورای عالی بورس و اوراق بهادار نیز داوطلب باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر در محاکم ایران و محاکم رسمی سایر کشورها در زمینه موضوعات تعیین شده توسط سازمان باشد. این ماده نیز یکی از شرایط لازم برای داوطلب عضویت در هیأت مدیره نهادهای مالی و ... را فاقد بودن محکومیت قطعی کیفری دانسته است. لذا همانگونه که ملاحظه می گردد با تصویب قانون مجازات اسلامی و نسخ ماده واحده قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر، محکومیت‌های صادره در خصوص جرایم بورسی، مؤثر تلقی نگشته و به نوعی منجر به کم اهمیت شدن این جرایم می گردد.

۲-۴- شمول سایر تأسیسات ارفاقی قانون مجازات اسلامی درخصوص مرتکبین جرایم بورسی

بر اساس ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی نهاد جدیدالتصویب تعویق صدور حکم در خصوص جرایم تعزیری درجه شش تا هشت بوده و قاضی می تواند با در نظر گرفتن شرایط مذکور در ماده، صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا دو سال به تعویق اندازد. این ماده در قانون مجازات اسلامی سابق وجود نداشت و از قانون جزای فرانسه اقتباس گردیده است. البته اصل نظام تعویق صدور حکم ریشه در حقوق انگلستان دارد و قضات انگلیسی در زمان‌های دور چنانچه در صحت ادله تردید داشتند یا

نامبردگان، مرجع انتخاب کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت های یاد شده خودداری نموده و یا مدیران انتخاب شده را از آن سمت برکنار نماید. شرایط و معیارهای صلاحیت حرفه ای مدیران مذکور صرفاً از حیث تحصیلات و سوابق تجربی مرتبط و همچنین نحوه سلب صلاحیت آنها توسط سازمان، به موجب آئین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به تصویب هیئت وزیران می رسد.

شرایط خاصی اقتضاء می‌کرد، صدور حکم را به تأخیر می‌انداختند تا درخواست عفو از پادشاه صورت گیرد و این نظام به مرور تبدیل به نظام تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم شد. (زراعت، ۱۳۹۳) قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای سیاست حبس‌زدایی حاکم بر نگارش این قانون به تأسیس این نهاد پرداخته است. همچنین این سیاست منجر به تأسیس نظام نیمه آزادی در قانون جدید گردیده است. براساس ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی، در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی محکوم را با رضایت خود او تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. نظام نیمه آزادی یکی از راه‌های فردی کردن مجازات‌هاست که در قانون مجازات اسلامی قبلی سابقه نداشت و مناسب حال مجرمینی است که جزای نقدی در آنان تأثیری نداشته و مجازات حبس نیز برای آنان مضر می‌باشد، لذا به نظر می‌رسد اجرای این نظام برای اشخاصی مفید است که به صورت اتفاقی مرتکب جرایم خفیف یا غیر عمدی می‌شوند (زراعت، ۱۳۹۳) ولیکن با توجه به نگارش عام و مطلق ماده، این تأسیس ارفاقی می‌تواند شامل همه مرتکبین جرایم تعزیری درجه پنج تا هفت من جمله مرتکبین جرایم بورسی گردد.

از نظر مقررات مربوط به مرور زمان نیز بر اساس مواد ۱۰۵ و ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی، محدودیت‌های زمانی برای تعقیب جرایم موجب تعزیر و یا اجرای احکام قطعی تعزیری وجود دارد که به نسبت شدت یا ضعف میزان مجازات، محدوده زمانی برای طرح شکایت یا اجرای احکام تعزیری در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه مجازات‌های مقرر برای مرتکبین اکثر جرایم بورسی از مجازات‌های تعزیری درجات ۶ و ۷ محسوب می‌گردند محدوده زمانی طرح و تعقیب مرتکبین جرایم مزبور و نیز اجرای احکام کیفری آنان حداقل زمان‌های مقرر قانونی است که به نوعی نمایانگر کم اهمیت بودن این جرایم از نظر قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد کلیه تأسیسات ارفاقی مذکور مشترکاً در خصوص جرایم تعزیری درجه شش الی هشت که جرایم مهم بورسی نیز از آن دسته می‌باشند جاری است، تا جایی که حتی نظام توبه که قبلاً مختص جرایم حدی بود، در این قانون در خصوص مجازات‌های تعزیری درجه شش و هفت و هشت نیز پیش‌بینی گردیده و موجب سقوط مجازات آنها می‌گردد.^۱ (صابر و رفیع زاده، ۱۳۹۴)

ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ۱
تواند مقررات شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می
راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

در انتهای این بخش لازم به ذکر می‌داند تغییرات قانون مجازات اسلامی و تأثیرات آن بر مجازات مرتکبین جرایم بورسی به نکات ذکر شده در این مقاله خلاصه نمی‌شود. به عنوان مثال قانون جدید مجازات اسلامی در مواد ۲۰ الی ۲۲ و ماده ۱۴۳، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را صراحتاً پذیرفته و برای آن‌ها مجازات تعیین کرده است که تأثیرات مستقیم بر مجازات مرتکبین جرایم بورسی دارد، چراکه ارتکاب جرایم مذکور در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار هم توسط اشخاص حقوقی شامل شرکت‌ها، نهادهای مالی و... و هم توسط اشخاص حقیقی قابل تصور است. لیکن با توجه به اینکه هدف از نگارش این مقاله تبیین مجازات مرتکبین جرایم بورسی و بررسی تأثیرات نهادهای جدید التأسيس ارفاقی قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بر مجازات مرتکبین بورسی می‌باشد، بررسی بیشتر در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مجال دیگری می‌طلبد و نگارنده بحث مبسوط و مفصلی به آن اختصاص نداده و به صورت گذرا بدان اشاره کرده است.

نتیجه‌گیری

هر چند تصویب قانون بازار اوراق بهادار و به ویژه فصل ششم آن از نقطه نظر مبارزه با جرایم و مفساد اقتصادی پیشرفتگی روبه جلو محسوب می‌گردد ولیکن در نظر گرفتن مجازات حداقلی برای مرتکبین جرایم بورسی تا حدودی از میزان اهمیت این جرایم نزد عموم کاسته است. قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تغییرات اساسی در بخش کلیات مانند درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری، مسئولیت کیفری موثر و... و نیز با ایجاد نهادهای جدید دادرسی مانند جایگزین حبس، نظام نیمه آزادی، تعویق صدور حکم، نظام توبه و... تأثیر بسزایی بر مجازات جرایم بورسی داشته است. حبس زدایی که به نظر می‌رسد از اهداف اصلی مقنن در تصویب قانون جدید مجازات اسلامی است بر قانون بازار اوراق بهادار نیز سایه انداخته و موجب کم رنگ تر شدن میزان مجازات‌های حداقلی مقرر در این قانون شده است. مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مرتکبین اکثر جرایم بورسی بر اساس تقسیم‌بندی مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از مجازات‌های تعزیری درجه ۶ الی ۸ (جرایم سبک با مجازات‌های سبک) محسوب می‌گردد. تغییر تعریف محکومیت کیفری موثر از دیگر تغییرات مهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محسوب می‌گردد که تأثیر مستقیمی بر مرتکبین جرایم بورسی داشته و موجب موثر محسوب نشدن مجازات‌های مرتکبین جرایم بورسی شده است. لذا با توجه به تخفیفات قانونی در نظر گرفته شده در قانون مجازات اسلامی برای مرتکبین جرایم تعزیری

متوسط و سبک (جرایم تعزیری درجه ۶ الی ۸)، همان اثرات ارعابی حد‌اقلی نیز در اجرای مجازات‌ها از بین خواهد رفت و عملاً موجب بی‌اعتباری مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مرتکبین این جرایم می‌گردد. به نظر نگارنده با توجه به اینکه مجازات‌های تعیینی در قانون بازار اوراق بهادار از نقطه نظر اصول حاکم بر حقوق جزای عمومی و اختصاصی مانند «اصل تناسب جرم و مجازات» با جرایم ارتكابی در این حوزه متناسب نمی‌باشد، تغییرات اساسی در تعیین مجازات مرتکبین جرایم بورسی ضروری می‌باشد. لذا شایسته است قانون‌گذار با توجه به اهمیت این جرایم و خطرات آن برای اقتصاد جامعه، نسبت به تشدید مجازات در این خصوص اقدام نماید. این تشدید مجازات می‌تواند در قالب لایحه اصلاحی قانون بازار اوراق بهادار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و یا به عنوان ماده واحده‌ای در سایر قوانین لحاظ گردد.

نکته مهم دیگر که در بررسی این مقاله می‌توان به آن دست یافت، عدم ذکر جرایم بورسی در زمره جرایم اقتصادی (موضوع بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی) است. هرچند با توجه به معیارهای ذکر شده در این نوشتار برای تشخیص جرایم اقتصادی، جرایم بورسی را نیز می‌توان به عنوان جرایم اقتصادی دانست ولیکن به لحاظ عدم ذکر این قسم جرایم در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، پذیرش این موضوع با مشقت روبروست. لذا شایسته است قانون‌گذار با اصلاح مقررات مربوط به جرایم اقتصادی، جرایم بورسی را نیز مشمول این قسم جرایم دانسته، که در این صورت نه تنها اهمیت جرایم بورسی بیش از پیش مشخص می‌شود، بلکه اقتصادی محسوب شدن آن-ها می‌تواند از اجرای برخی تأسیسات ارفاقی مطرح در قانون مجازات اسلامی جلوگیری نماید.

علی ای حال به نظر می‌رسد در صورتی که قانون‌گذار به ضرورت اصلاح قوانین و مقررات در حوزه بازار اوراق بهادار پی نبرد و با بی‌توجهی در این خصوص اقدام عملی ننماید، اثرات ارعابی و بازدارندگی ضمانت اجرای کیفری فعلی مذکور در قانون بازار اوراق بهادار به مرور کم رنگ‌تر شده و در نهایت از بین خواهد رفت. این بی‌توجهی قانون‌گذار می‌تواند در بلند مدت به جری شدن مجرمین بورسی دامن زده و آینده این بازار را با تهدیدات و مخاطرات جدی مواجه نماید.

منابع و مآخذ

۱. قانون بازار اوراق بهادار؛ مصوب ۱۳۸۴.
۲. قانون تأسیس بورس اوراق بهادار؛ مصوب اردیبهشت ۱۳۴۵.
۳. قانون تعریف محکومیت‌های کیفری موثر؛ مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحی سال ۱۳۸۲.
۴. قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی؛ مصوب ۱۳۸۸.
۵. قانون مجازات اسلامی؛ مصوب ۱۳۹۲.
۶. قانون وصول بخشی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین؛ مصوب ۱۳۷۵، اصلاحی ۱۳۸۹.
۷. آیین نامه اجرایی ماده (۱۴) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید - مصوب ۱۳۹۰.
۸. آیین نامه ماده (۱۳) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۸.
۹. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۷۰۳ مورخ ۹۲/۱۲/۱۳ صادره از شعبه ۷۰ دادگاه تجدید نظر تهران.
۱۰. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۰۲۰۰۰۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۶ صادره از شعبه ۱۰۶۳ دادگاه کیفری ۲ تهران.
۱۱. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۳۰۲۰۰۰۸۸ مورخ ۹۳/۱۲/۲۳ شعبه ۱۰۶۳ دادگاه کیفری ۲ تهران.
۱۲. دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۲۱۳۰۲۰۰۰۴۸-۹ مورخ ۹۰/۲/۲۲ شعبه ۱۱۹۲ دادگاه عمومی جزایی.
۱۳. دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی، مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۱ شورای عالی بورس و اوراق بهادار.
۱۴. رأی شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور، قابل دسترسی در تارنمای روزنامه رسمی کشور به آدرس اینترنتی <http://rooznamehrasmi.ir>.
۱۵. رأی شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور، قابل دسترسی در تارنمای روزنامه رسمی کشور به آدرس اینترنتی <http://rooznamehrasmi.ir>.
۱۶. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۸۹)، مجموعه قوانین و مقررات، مجازاتها، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.

۱۷. نظریه شماره ۷/۹۲/۱۱۰۸ - ۹۲/۶/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه- قابل دسترسی در تارنمای اداره کل حقوقی قوه قضائیه به نشانی اینترنتی <http://www.edarehoquqy.ir>.
۱۸. نظریه شماره ۷/۹۲/۲۳۹۷ مورخ ۹۲/۱۲/۱۳- قابل دسترسی در سایت اداره کل حقوقی قوه قضائیه به نشانی اینترنتی <http://www.edarehoquqy.ir>.
۱۹. نظریه شماره ۷/۶۱۸۷ مورخ ۸۷/۱۰/۳ اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه.
۲۰. نظریه شماره ۷/۹۲/۱۰۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.
۲۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲۲. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: نشر میزان.
۲۳. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
۲۴. آریه فرایبورگ (زمستان ۹۱)، «تعیین مجازات بزهکاران یقه سفید»، ترجمه عظم مهدوی پور، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره (۲۵): ۱۵۵-۱۸۸.
۲۵. آقامیری، سمیه سادات (۱۳۸۷)، بررسی جرایم بورس اوراق بهادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲۶. ایوب میلکی (۱۳۸۵)، «حبس زدایی خردگرا؛ خروج از بحران تورم کیفری»، اصلاح و تربیت، سال پنجم، شماره ۲۱: ۲۵-۵۳.
۲۷. باختر، سید احمد (۱۳۸۸)، مجموعه کامل آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور (کتاب دوم: امور جزایی)، تهران: انتشارات جنگل.
۲۸. جوانمردی، محمد (۱۳۹۳)، «نقض مقررات در ارائه اسناد و مدارک به سازمان بورس و اوراق بهادار»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۲۶، سال هفتم: ۱۲۷-۱۶۲.
۲۹. حاجی ده آبادی، محمد علی، حائری، سید احسان (۱۳۸۹)، «بررسی هزینه‌های جرم با نگرشی اسلامی»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۴: ۳۳-۶۰.
۳۰. حسینی نژاد، سید مرتضی، اقتصادیان، محمد رضا (۱۳۸۳)، اقتصاد جرم و جنایت در ایران، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۳۱. رحیمی نژاد، اسماعیل، حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۸)، «مجازات های متناسب مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی»، فصلنامه حقوق، شماره ۲: ۱۱۵-۱۳۴.
۳۲. رضایی، رضا (۱۳۸۶)، «کاهش جمعیت کیفری و فرآیند حبس زدایی»، اصلاح و تربیت، شماره ۴۵-۴۸.

۳۳. زراعت، عباس (۱۳۹۳)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات ققنوس.
۳۴. ساکی، محمد رضا (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
۳۵. سلطانی، محمد (۱۳۹۵)، حقوق بازار سرمایه، تهران: انتشارات سمت.
۳۶. شریفی، الهام‌الدین، بهشتی، شقایق (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات نهانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار در حقوق اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۷، ص ۲۱۳-۲۳۲.
۳۷. صابر، محمود، رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴)، «مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانونگذاری کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۱، ص ۷۳-۹۳.
۳۸. غلامی، حسین (۱۳۸۴)، «سیاست کیفری سخت گیرانه»، دانش انتظامی، شماره ۲۷: ۹۵-۱۲۱.
۳۹. فروغی، فضل الله (۱۳۸۳)، «جرایم قابل گذشت در حقوق ایران»، علوم اجتماعی و انسانی، دوره ۲۱، شماره ۲: ۱۷-۳۴.
۴۰. قربانی، مجید، باقری، عباس (۱۳۸۹)، «دستکاری بازار اوراق بهادار»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، ص ۳۰۱-۳۲۶.
۴۱. گلدوزیان، ایرج، قربانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کنوانسیون‌های بین‌المللی»، دادرسی، شماره ۹۲: ۱۰-۱۶.
۴۲. محسنی، فرید (۱۳۹۱)، «جرایم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷: ۱۳۱-۱۵۶.
۴۳. محمودی جانکی، فیروز، آقایی، سارا (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، ص ۳۳۹-۳۶۱.
۴۴. مظلومان، رضا (۱۳۵۱)، «جامعه، جرم، مجازات و هدف، نوع و خصائص کیفرها»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۱۲: ۹۷-۱۱۸.
۴۵. مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۴۶. میر سعیدی، سید منصور، زمانی، محمود (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم: ۱۶۷-۱۹۹.
۴۷. میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۲)، حقوق کیفری بازار اوراق بهادار، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۴۸. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۹)، «جرایم علیه اشخاص، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.

۴۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰)، تقریرات درس حقوق جزای تطبیقی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)،
۵۰. نمایان، پیمان (۱۳۸۶)، «سیاست تقنینی ایران در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، دادرسی، شماره ۶۶: ۳۱-۳۹.
۵۱. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۲)، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، تهران: انتشارات جنگل.
۵۲. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳)، جرایم علیه امنیت اقتصادی، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل.
۵۳. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۵)، «اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه تر؟!»، فقه و حقوق، شماره ۱۱: ۴۱-۶۳.
۵۴. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۷)، «اصل تناسب جرم و مجازات، چرایی و چگونگی آن»، نامه مفید، شماره ۶۷: ۱۳۹-۱۵۶.
55. Capital Markets and Services Act 2007, see in: <https://www.sec.gov/about/laws/sea34.pdf>
56. No. 16-3017, Appeal from the United States District Court for the Northern District of Illinois, Eastern Division, No. 1:14-cr-00551-1, Harry D. Leinenweber, Judge, decided AUGUST 7, 2017
57. Securities exchange act 1934, see in: <https://www.sec.gov/about/laws/sea34.pdf>
58. Stock Market Manipulations, 2006, Rajesh K. Aggarwal, Guojun Wu, Journal of Business, vol. 79, no. 4.
59. Thompson, James H (2013), A Global Comparison of Insider Trading Regulations, International Journal of Accounting and Financial Reporting: Vol. 3, No. 1. P.1-23